



کانون نویسندگان ایران (در تبعید)
Iranian Writers Association (in Exile)

اطلاعیه به مناسبت سیزدهم آذر، روز مبارزه با سانسور

علیه سانسور، در دفاع از آزادی اندیشه، بیان و قلم

"...این دایره به سادگی آب گرد چشمانم می گردد..."
محمد مختاری

آذرماه یاد آورِ اوج ستمگریِ حکومت اسلامی نسبت به اهل قلم آزاداندیش و آزادیخواه در میهنمان است.

دوم آذر ماه سال ۱۳۶۴ غلامحسین ساعدی یکی از بنیانگذاران کانون نویسندگان ایران و کانون نویسندگان ایران در تبعید، با رنج جانکاهی که تبعید بر جسم و جان اش نشانده بود، از میان ما رفت. مرگ غلامحسین ساعدی از دست دادن یکی از برجسته ترین و تاثیرگذارترین شخصیت های فرهنگی بود، نویسنده و نمایشنامه نویسی که مرگ کبود او را از ما گرفت. ساعدی سانسور را از بارقه های فرهنگ کشی می دانست، سانسوری که در حکومت اسلامی "تنها در حوزه فرهنگ و هنر نیست که جولان می دهد، بلکه رژیم به سانسور زندگی روزمره آدم های کوچ و بازار نیز پرداخته است". ساعدی از "فرهنگ کشی و هنرزدائی در جمهوری اسلامی" نوشت و دمی در مبارزه با آنچه وی "دیو تسلط" و "ابوالهولی که تیماج آغشته به خونس را بر سراسر وطن ما گسترده"، درنگ نکرد.

حکومت اسلامی جنایت سازمان یافته و دولتی علیه اهل قلم را اما از آذرماه سال ۱۳۵۹ با تیرباران کردن سیمون فرزانی سردبیر ۷۰ ساله روزنامه "ژورنال دو تهران" آغاز کرده است. ۶ آذرماه سال ۱۳۷۳ خبر مرگ سعیدی سیرجانی در زندان فقها اعلام شد. سیرجانی نویسنده، شاعر و پژوهشگر را به جرم های واهی و دروغین دستگیر کرده بودند. ۴ آذرماه سال ۱۳۷۷ جسد مجید شریف مترجم و نویسنده در پی سه روز ناپدید شدن توسط خانواده اش پیدا شد. ۱۲ آذرماه سال ۱۳۷۷ محمد مختاری، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و عضو کانون نویسندگان ایران توسط ماموران وزارت اطلاعات ربوده شد. ۱۸ آذرماه جسد محمد مختاری که با طناب خفه اش کرده بودند توسط فرزند وی در پزشکی قانونی شناسائی شد. ۱۹ آذرماه همان سال ۱۳۷۷ محمد جعفر پوینده مترجم، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران ربوده شد. ۱۳۷۷ آذرماه ماموران اداره آگاهی به همسر وی اطلاع دادند که جسد پوینده پیدا شده است. پوینده را با سیمی مسی خفه کرده بودند.

کانون نویسندگان ایران، سوگوار از دست رفتن اعضای گرانقدر خود، ۱۳ آذر را با یاد محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، روز مبارزه با سانسور اعلام کرد، روزی که "رهگذری پای دیواری در

پشت کارخانه سیمان در امین آباد شهرری خبر دیدن جسدی را به مسئولان اطلاع داد"، جسد شاعری که سروده بود:

" درخت و سنگ و سار و سنگسار و دار

سایه ی دستی که می پندارد دنیا را باید از چیزهایی پاک کرد..."

قتل جنایتکارانه اعضای برجسته کانون نویسندگان ایران، که زندگی و جان در راه دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم، و مبارزه با سانسورنهاده بوده اند، جنایت سازمان یافته و تروریسم دولتی است، جنایاتی که به حیات حکومت اسلامی گره خورده است.

۱۷ سال از آذرماه خونین سال ۱۳۷۷ می گذرد، طی این سال ها، وهم امروز نیز تیغ سانسور و فرهنگ کُشی به کار است. آیا از حکومتی نابهنگام، فرهنگ ستیز و شاعرو نویسنده کُش غیر از این انتظار می رود؟، از حکومتی که بنیانگذارش فتوی " شکستن قلم" می دهد و ولی فقیه اش، آیت الله خامنه ای " سانسور را عملی به نفع مردم" اعلام می کند، دوران انتظار خواهد بود که کتاب و روزنامه و نشریه، تئاتر، سینما، موسیقی، وبلاگ نویسی و تارنماهای اینترنتی سانسور نکند، و نویسنده و شاعر و روزنامه نگار از حقوق صنفی و اجتماعی اش محروم و خانه نشین نکند، مورد ضرب و شتم قرار ندهد، زندانی و شکنجه نکند، و در طی ۳۷ سال از تلاشگران کلیدی آنان را به خاطر مبارزه علیه سانسور و دفاع از آزادی اندیشه و بیان و قلم به قتل نرساند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید بار دیگر درسیزدهم آذر، روزمبارزه علیه سانسور و سالگشت به قتل رساندن یارانمان محمد مختاری و محمد جعفر پوینده ، با همراهان و یاران خود در کانون نویسندگان ایران و همه ی اهل قلم آزاد اندیش و آزادی خواه پیمان می بندد که در کنار آنان در برابر سانسور حکومتی خواهد ایستاد و روشنگری و اعتراض به سیاستی که لجام گسیخته با سلاح سانسور و کشتار در صدد قلع و قمع فرهنگی ست را مرکز فعالیت خود قرار دهد، و دفاع و پاسداری از آزادی اندیشه، بیان و قلم را رساتر فریاد خواهد کرد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید

۱۲ آذر ماه سال ۱۳۹۴